درمکتب امام

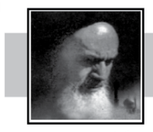

خانواده باید مدرسه باشد

مسئولیت تربیت جوانان مسئولیت کمی نیست. تمام ملت باید معلم باشند، معلم فرزندان خود. اسلام تمام افرادش معلم باید باشند، و تمام افرادش متعلم. بانوان هم باید معلم باشند برای فرزندان خود، در دامن خود مثل استادان، مثل معلمان تربیت کنند. پدران باید معلم باشند از برای فرزندان خود. خانواده شما باید مدرسه باشد، تعلیم احکام اسلام، تهذیب اخلاق نونهالان.

صحیفه امام؛ ج۷؛ ص۱۶۳ | قم؛ ۷ اردیبهشت ۱۳۵۸

ذلت ستیزی در منش امام حسین(ع)

یک اصل کلی در روایات ما هست که وجود مبارک پیغمبر(ص)، چه درباره امیرالمؤمنین و چه درباره اهل بیت این چنین می‌فرماید: «عَلِیٌّ مِنِّی وَ أَنَا مِنْه»،[۱] «حُسَیْنٌ مِنِّی وَ أَنَا مِنْ حُسَیْنٍ»،[۲] «حَسَنٌ مِنِّی وَ أَنَا مِنْه»[۳] و سرّش هم این است که ذات اقدس اله در قرآن کریم پیوند پیغمبر را با این ذوات قدسی با تعبیر (وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَکُم)[۴] مشخّص کرده است. اگر وجود مبارک حضرت امیر به منزله جان پیغمبر است، در اثر ولایت و مقام امامت است و این مقام امامت برای حسن بن علی و حسین بن علی(علیهم السلام) نیزهست. بنابراین گرچه تعبیر آیه «مباهله»[۵] درباره خصوص حضرت امیر است، ولی خصیصه‌ای برای آن حضرت نیست؛ زیرا معیار امامت است که در همه این ذوات قدسی هست؛ لذا فرمود: «حَسَنٌ مِنِّی وَ أَنَا مِنْه»، «حُسَیْنٌ مِنِّی وَ أَنَا مِنْ حُسَیْنٍ». وقتی «حُسَیْنٌ مِنِّی وَ أَنَا مِنْ حُسَیْنٍ» شد، کار وجود مبارک پیغمبر(ص)را حسین بن علی باید در حدّ امامت انجام دهد، این اصل اوّل.

خون امام حسین(ع)،نجات بخش مردم از جهالت

اصل دوم اینکه برنامه حیات‌بخش وجود مبارک پیامبر را ذات اقدس اله بعد از تلاوت آیات سه اصل مهم قرار داد: (یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ یُزَکِّیهِم)[۶] که جامعه را با فرهنگ وحی آشنا می‌کند، جامعه را طاهر و طیّب می‌کند و با حکمت که خیر کثیر است آشنا می‌کند؛ این برنامه رسمی آن حضرت است که خودش راهی این راه است و عدّه‌ای را هم به همراه می‌برد. در زیارت اربعین سالار شهیدان هم می‌خوانیم: «وَ بَذَلَ مُهْجَتَهُ فِیکَ لِیَسْتَنْقِذَ عِبَادَکَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَیْرَةِ الضَّلَالَة»،[۷] منتها وجود مبارک پیامبر در تمام مدّت عمر با تحمّل «مَا أُوذِیَ نَبِیٌّ مِثْلَ مَا أُوذِیتُ»[۸] به آن سه اصل عمل کرد و سالار شهیدان هم با بذل خون، جامعه را از جهل علمی و جهالت عملی نجات داد و به مقصد هم رسیده است! آنچه را که شما در جوامع کنونی می‌بینید، همه در کنار سفره سالارشهیدان نشسته‌اند، تقریباً پنج قرن بنی‌العبّاس با این نام و قبر و علامت مبارزه کردند؛ براستی بنی‌العبّاس با قبر حسین بن علی مبارزه کردند! آن قبر را شیار کردند، آن زمین را کشت کردند، به طوری که هیچ اثری از قبر مطهر نبود! امّا اینکه زینب کبری(س) در شام قسم یاد می‌کند و می‌گوید: «فَوَاللهِ... لَا تَمْحُو ذِکْرَنَا وَ لَا یُرْحَضُ عَنْکَ»،[۹] قسم به خدا نمی‌توانید نام ما را به فراموشی بسپارید، این بر اثر این است که ایشان «أَنْتِ بِحَمْدِ الله عَالِمَة غَیْرُ مُعَلَّمَة»[۱۰] است، وگرنه کم نبودند سلسله انبیاء! چندهزار پیامبر آمدند و رفتند، امّا نامی از بسیاری از اینها نیست! این‌طور نیست که هرکسی پیغمبر بود یا امام بود جاودانه باشد، این جاودانگی با یک فیض خاصّی است.

در قرآن کریم فرمود انبیاء فراوانی آمدند که هم تعبیر به «تواتر» دارد و هم تعبیر به «تواصل»: (أَرْسَلْنا رُسُلَنا تَتْرا)؛[۱۱] «تترا»، «تترا»، «تا»ی آن مثل تقواست، اصل آن «تاء» «واو» بود. اصل این «تترا» «وترا» بود، به متواتر می‌گویند «وترا»؛ به آدم باتقوا می‌گویند او «وَقْوا» است؛ ولی می‌گویند در تقوا، این «تاء» جزء کلمه نیست! در «وَقِیَ» «یَقِی»، این «واو» تبدیل به آن «تاء» شده است، «تَتْرا» یعنی متواتر؛ یعنی ما انبیا را به صورت متواتر فرستادیم، نام چند نفر از این انبیاء در جهان هست؟ قبرشان کجاست؟ آثارشان چیست؟ همه ماندنی نیستند، چند نفر از این حواریون مسیحی ماندند؟ امّا زینب کبری سوگند یاد می‌کند، فرمود: قسم به خدا این نام زنده است!

بنابراین اگر خداست، اینها را همتا یا به منزله جان پیغمبر می‌داند و اگر خود رسول است، فرمود: «حُسَیْنٌ مِنِّی» و اگر زیارت اربعین است، فرمود او برای دو کار خون داد: یکی اینکه جامعه را عالم کند، دیگر اینکه جامعه را عادل کند و ما هم راهیان همین راه هستیم! سالارشهیدان فرمود این راه برای شما هم هست، امّا باید به دنبال ما حرکت کنید؛ آن سخنرانی نورانی حضرت در مکه هم همین است، نفرمود «مَنْ کَانَ بَاذِلاً فِی الله مُهْجَتَه»، چون همه خون‌ها آن صلاحیت را ندارد که «بلاواسطه» به قُرب الهی بار یابد. به ماها گفتند ببینید حسین بن علی(ع) در مکه چه فرمود، او فرمود: «مَنْ کَانَ بَاذِلاً فِینَا مُهْجَتَه»؛[۱۲] ببینید ما چکار می‌کنیم، شما هم تابع ما باشید.

در صدر زیارت اربعین آمده است: حسین بن علی(ع) محبوب و خلیل توست، خون این حبیب و خلیل در راه توست، آنگاه آن توان را دارد که جامعه را رهبری کند؛ رهبری آن حضرت در همین زیارت اربعین آمده است که «وَ قَائِداً مِنَ الْقَادَة»؛[۱۳] او قائد است!

امام حسین(ع)، رهبر «قیادی»

رهبران، روحانیون، علما و مانند اینها دو قسم هستند: رهبری بعضی «قیادی» است و رهبری بعضی «سیاقی» است؛ بعضی‌ها دعوت به خیر می‌کنند، می‌گویند بروید به جبهه، بروید مدافع حرم باشید، بروید که ماها این‌طور هستیم، می‌گوییم بروید که کار خوبی هم است، دعوت و تبلیغ است؛ امّا رهبریِ «قیادی» این است که خودش پیشتاز است و می‌گوید بیایید! فرق امام و دیگران این بود که دیگران می‌گفتند به طرف جنگ بروید، امام فرمود به طرف جنگ بیایید، پیشگام بود و گفت بیایید! «قائد» یعنی کسی که خودش در جلو هست و می‌گوید من رفتم بیایید، اما «سائق» کسی است که دستور می‌دهد و می‌گوید بروید دین را یاری کنید. رهبری اینهایی که «سیاقی» است توفیق آنها خیلی نیست و رهبری آنهایی که «قیادی» است، توفیق آنها صد درصد است، فرمود من رفتم بیایید! :«مَنْ کَانَ بَاذِلاً فِینَا مُهْجَتَهُ وَ مُوَطِّناً عَلَی لِقَاءِ الله نَفْسَهُ فَلْیَرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّی رَاحِلٌ مُصْبِحاً إِنْ شَاءَالله تَعَالَی»، هر کس آماده است خون خود را در راه ما نثار کند و خود را آماده لقای خداوند سازد، با ما رهسپار شود، چرا که من ـ به خواست خداوند ـ فردا صبح حرکت خواهم کرد، بنابراین رهبری حضرت ،رهبریِ «قیادی» بود، چه اینکه در صد همین زیارت اربعین، بعد از محبّت و خُلّت، سخن از «قیادة» و رهبری قائدانه آن حضرت است. آنگاه کاری که وجود مبارک پیغمبر(ص) انجام داده است که (یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ)، یک؛ (وَ الْحِکْمَةَ)، دو؛ (وَ یُزَکِّیهِم)، سه؛ این کار را کرد.

دشمن‌ترین دشمنان

این «هَیْهَاتَ مِنَّاالذِّلَّة»[۱۴] که تنها ذلّت از دودمان یزید نیست! کسی که از نفس امّاره پیروی می‌کند، او ذلیل است، او خوار است، برای اینکه در بیانات نورانی حضرت امیر(ع) هست که «کَمْ مِنْ عَقْلٍ أَسِیرٍ تَحْتَ هَوًی أَمِیر»،[۱۵] اگر در قیامت عدّه‌ای می‌گویند: (رَبَّنا غَلَبَتْ عَلَیْنا شِقْوَتُنا)،[۱۶] برای همین بیان نورانّی حضرت امیر است که فرمود یک عدّه‌ای در جبهه جهاد درون شکست خورده هستند؛ وقتی که ما را شکست دادند، ما متوجه این صحنه نیستیم که ما با یک دشمنی روبرو هستیم که این دشمن نه از ما مالی می‌خواهد و نه از ما خون، فقط اسارت می‌طلبد! چرا وجود مبارک پیامبر فرمود: «أَعْدَی عَدُوِّکَ نَفْسُکَ الَّتِی بَیْنَ جَنْبَیْکَ»،بالاترین دشمنان تو همان نفس اماره و احساسات سرکش تو است که از همه به تو نزدیکتر است و در میان دو پهلویت قرار گرفته است؟[۱۷] برای اینکه دشمن نه می‌خوابد، نه غافل است، نه ساهی است، نه ناسی است و نه دور است، بلکه در درون دل جا کرده است، بیدار است و منتظر غفلت ما است، (إِنَّهُ یَرَاکُمْ هُوَ وَ قَبِیلَهُ مِنْ حَیْثُ لا تَرَوْنَهُم)[۱۸]؛ یک چنین دشمنی که در درون ما است، روانکاو و روان‌شناس هم هست و می‌داند که مشکل ما چه است و چه چیزی می‌خواهیم، هر کسی را با همان خواسته‌های روانی‌اش فریب می‌دهد و نمی‌خوابد و با ما در جنگ است و قصد او هم خونریزی نیست تا ما کشته بشویم و راحت بشویم، قصد او گرفتن مال نیست، او از ما آبرو و دین می‌خواهد و ما را اسیر می‌برد، گفت من سواری می‌خواهم! من خون نمی‌خواهم، من بکشم که چه؟ سوگند یاد کرد (لَأَحْتَنِکَنَّ ذُرِّیَّتَه)[۱۹]، یک چنین دشمنی «أَعْدَی عَدُوِّ» است. دشمنان دیگر یا از ما خون می‌خواهند که جان ما و روح ما و دین ما محفوظ می‌ماند یا از ما مال می‌خواهند یا زمین می‌خواهند و خاک می‌خواهند.

این «هَیْهَاتَ مِنَّاالذِّلَّة» حضرت، تنها برای طرد استکبار برون نیست، برای طرد آن مستکبر درون هم هست؛ وجود مبارک حضرت این‌طور بود و شاگردان خوبی هم تربیت کرد؛ حالا آن مسئله‌ای که «أَنِّی قَدْ أُحِبُّ الصَّلَاةَ لَهُ وَ تِلَاوَةَ کِتَابِهِ وَ الدُّعَاءَ وَ الِاسْتِغْفَار»[۲۰] مطلب دیگری است. ذلیل نبودن در برابر دشمن بیرون خیلی مهم نیست، عمده ذلیل نبودن در برابر «أَعْدَی عَدُوِّ» است و این «أَعْدَی عَدُوِّ» هم اسیر می‌خواهد. حالا اگر عقل کسی اسیر شد، درباره کسانی که در اوائل امر هستند این دشمن درون نمی‌گذارد و اعاقل بشود، نمی‌گذارد دنبال علم برود، این یک نحو است؛ آنها هم که اهل علم هستند، می‌گوید این علم خود را ابزار کار من قرار بده. شما می‌بینید سلسله جلیله انبیاء که آمدند متنبّیان(مدعیان پیامبری) کمتر از آنها نبودند، هر وقتی پیغمبری ظهور کرد، چند متنبی هم پیدا شد؛ هر وقتی امامی ظهور کرد، چند مدعی امامت هم پیدا شد؛ هر چند یک عالمی ظهور کرد، چند مدعی علمی پیدا شدند. فرمود اگر کسی عالم شد، شیطان علمش را در خدمت می‌گیرد تا بتواند متشابهات را جمع‌آوری کند و ادعایی را هم راه‌اندازی کند، چنین کسی غیر از اینکه به دشمن سواری بدهد، کار دیگر نمی‌کند؛ امّا سالار شهیدان(ع) فرمود: ما این بنی‌العباس و مانند اینها را به خاک ذلت می‌کشانیم! این سخن قوی و نیرومند زینب کبری بود ـ چه در مجلس شام و چه در مجلس کوفی ـ در نهایت «مجلسین» دولت اموی را او بست!

بیانات حضرت آیت الله جوادی آملی (دامت برکاته) در جلسه درس اخلاق در دیدار با جمعی از دانشجویان و طلاب، قم؛ ۹۵/۸/۲۷

مرکز اطلاع‌رسانی اسرا

۱ .دعائم الإسلام، ج۱، ص۱۹. ۲. کامل الزیارات، ص۵۲. ۳.بشارة المصطفی لشیعة المرتضی(ط - القدیمة)، ج۲، ص۱۵۶. ۴.آل عمران، ۶۱. ۵. آل عمران، ۶. ۶. بقره، ۱۲۹. ۷. مصباح المتهجد، ج۲، ص۷۸۸. ۸.مناقب آل أبی طالب (لابن شهرآشوب)، ج۳، ص۲۴۷. ۹.الإحتجاج، ج۲، ص۳۰۹. ۱۰-همان، ص۳۰۵. ۱۱.مؤمنون، ۴۴ . ۱۲. اللهوف ترجمه فهری، ص۶۱ ۱۳.مصباح المتهجد، ج۲، ص۷۸۸ ۱۴. الإحتجاج، ج۲، ص۳۰۰. ۱۵. نهج البلاغهٔ صبحی صالح، حکمت۲۱۱. ۱۶. مؤمنون، ۱۰۶. ۱۷.مجموعهٔ ورام، ج۱، ص۵۹. ۱۸. اعراف، ۲۷ . ۱۹. إسراء، ۶۲ . ۲۰. الإرشاد، ج۲، ص: ۹۱.

خوان حکمت روزهای یکشنبه منتشر می‌شود.

گزارش خبری تحلیلی کیهان

لجن‌پراکنی‌های اخیر در مجلس نتیجه بدهکاری به پدرخوانده‌های لیست پولی

سرویس سیاسی-

ریشه لجن‌پراکنی‌های اخیر چند نماینده مدعی اصلاحات در مجلس را باید در لیست‌های انتخاباتی که با پول کثیف بسته شد، جست‌وجو کرد.

در هفته اخیر دو تن از نمایندگان در صحن علنی مجلس سخنان ساختارشکنانه‌ای را مطرح کردند که واکنش‌های جدی از طرف نمایندگان و شخصیت‌های سیاسی داشت. نمایندگان ملت معتقدند که نطق این دو نفر (پروانه سلحشوری و غلامرضاحیدری) از جایی دیگر دیکته شده بود. این گمان را تپق‌های هنگام قرائت از روی متن تشدید کرد.

همچنین باور وکلای ملت این است که این دو نماینده و افراد همسوی آنها به دنبال این هستند که با طرح اینگونه مسائل برای کشور هزینه ایجاد کنند و از سوی دیگر با اینگونه اظهارات به دنبال فرار از پاسخگویی هستند.

۳ گروه از نمایندگان

نمایندگان مجلس به طور کلی به سه گروه تقسیم می‌شوند: گروهی که فعال‌اند، حضور مرتبی در جلسات و رای‌گیری‌ها دارند، به صورت پیوسته (بسته به کمیسیون‌هایشان) طرح و برنامه دارند. برای مشکلات مردم فکر دنبال راه‌حل هستند و برای ایرادهایی که ممکن است در دستگاه‌های مختلف (حتی خود مجلس) باشد، دنبال راه چاره می‌گردند؛ مانند همین طرح‌های مبارزه با مفاسد اقتصادی یا طرح شفافیت عملکرد نمایندگان.

طیف دوم نمایندگانی هستند که با حمایت اسپانسرها یا پدرخوانده‌ها و البته رای مردم به مجلس رسیده‌اند. اینها ناچار هستند که در عملکرد خود به هر دو سمت چشم داشته باشند و هر دو سمت را راضی نگه دارند. گاهی که خواست مردم با خواست حامی انتخاباتی یکی نیست دردسرها شروع می‌شود. البته تا وقتی سیستم رای‌گیری مخفی وجود دارد اینها نیز حاشیه امنیت دارند، تا به رسانه‌ها چیزی بگویند و در رای‌گیری طوری دیگر عمل کنند. این طیف معمولا در ارائه راهکار به صورت طرح برای مشکلات حوزه کمیسیونی خود پیشتاز نیستند و نقش آنها در پیوستن به طرح‌ها تعریف می‌شود، البته اگر لحظه رای‌گیری به سویی دیگر نچرخند.

و اما طیف سوم؛ که طیف مورد بحث ما نیز هست تشکیل شده از نمایندگانی که به صورت وابستگان جریان‌های خاص وارد مجلس می‌شوند. آنها که نسبت به دو طیف دیگر تعدادشان بسیار کمتر است و گاه انگشت شمار هستند به مجلس می‌آیند که یا از شخصیت حقوقی که پس از آن نصیب شان می‌شود سوءاستفاده کنند یا از صحن و تریبون مجلس.

بعضی شان در طول چهارسال به تدریج وظایف خود را انجام می‌دهند، مثلا در توئیتر با اتکا به شخصیت حقوقی خود (نمایندگی مجلس) به حاشیه‌سازی برای نظام و نهادهای انقلابی می‌پردازند، گاهی خلاف واقع می‌گویند و گاهی شبهات را به جامعه تزریق می‌کنند.

گاهی نیز نقش آنها در مقاطع خاص تعریف می‌شود. برای نمونه در یک نطق میان دستور، آدرس‌های غلط را به خورد مردم دهند و فضا را غبار آلود کنند. سه شنبه هفته گذشته دو نمونه از این افراد در مجلس به ایراد سخن پرداختند. تمام نگرانی و ناراحتی آنها حصرخانگی دو فتنه‌گر است انگار.

اندر فضایل لیست امید!

اگر بخواهیم تحلیل کامل‌تری در مورد افراد و عملکرد آنها در یک مجموعه داشته باشیم باید نگاهی انداخت به عقبه ایشان و راهی که برای رسیدن به کرسی‌های مجلس و شورای شهر طی کرده‌اند.

«چه کسی پیشنهاد ۲ میلیاردی برای حضور در لیست امید به نامزدها داده بود؟!» این تیتر خبری بود که خرداد۹۶ یکی از روزنامه‌های طیف موسوم به اصلاح‌طلب در کانال خود منتشر کرد. البته این نقطه شروع افشاگری‌ها پیرامون لیست پولی امید نبود. برای نمونه آبان ماه ۱۳۹۵ «الهه کولایی» عضو ارشد شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان از نحوه بستن لیست امید برای مجلس دهم پرده برانداخت و در گفت‌وگویی اعلام کرد: «همیشه پول و قدرت در حوزه سیاست تاثیرگذار هستند. برخی کاندیداها از طریق رانت وارد لیست امید شدند و من این مسئله را تکذیب نمی‌کنم.»

تقریبا یک‌سال پس از اظهارات الهه کولایی روزنامه آفتاب یزد به ابعاد تازه‌ای از این موضوع پرداخت: «یک منبع آگاه توضیحاتی را در مورد ماجرای درخواست ۲میلیارد تومان از برخی کاندیداهای شورای شهر تهران جهت حضور در لیست امید ارائه داد. گویا چنین درخواستی از جانب دبیرکل یکی از احزاب سرشناس اصلاح‌طلب مطرح شده است؛ بدین صورت که وی با برگزاری جلسات خصوصی با کاندیداهای مطرح و خواستار حضور در لیست امید به آنان پیشنهاد می‌داده که ۲ میلیارد تومان بپردازند تا بتوانند در لیست حضور داشته باشند. البته مشخص نبوده آقای غ_ک با چه سازوکاری چنین وعده‌ای به کاندیداها می‌داده است.»

درحراجی اصلاح‌طلبان؛ هر صندلی ۲میلیارد!

در این میان واکنش غلامحسین کرباسچی دبیرکل حزب کارگزاران به خبر روزنامه آفتاب یزد مبنی بر درخواست ۲ میلیاردی وی از کاندیداهای شورای شهر برای حضور در لیست امید، نیز جالب توجه بود. وی دریافت این مبالغ را از ۳۰نماینده تهران (هر فرد ۲میلیارد تومان) برای هزینه‌های انتخابات عنوان کرده بود! وی در این رابطه گفت: «۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون، برآیند تبلیغات ستاد شده بود که قرار بود سهمیه‌ای از این مبلغ را بدهند»!!

از سوی دیگر فاطمه آلیا نماینده سابق مردم تهران در مجلس به ماجرای «لیست‌فروشی اصلاح‌طلبان» و درخواست ۲